

همکاری دولتها با دیوان کیفری بین‌المللی

از مرحله تعقیب تا اجرای حکم دیوان

دکتر محمد فیروز جالی

نشر آرمان حقوق

۱۳۹۲

سرشناسه	:	نجار فیروزجایی، صادق، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	همکاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی از مرحله تعقیب تا اجرای حکم دیوان/ مولف صادق نجار فیروزجایی.
مشخصات نشر	:	تهران: آرمان حقوق، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۳ ص.
شابک	:	978-600-93023-6-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	دیوان کیفری بین‌المللی
موضوع	:	International criminal Court
موضوع	:	حقوق اجرای بین‌الملل
موضوع	:	عدالت کیفری همکاری‌های بین‌المللی
رده بندی کنگره	:	KZ ۳۱۰/۱۱ - ایران
رده بندی دیویی	:	۰۱/۳۴۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۱۳۸۵۷۳

انتشارات آرمان حقوق

مدیر انتشارات	:	صادق نجار فیروزجایی
مدیر فنی	:	مریم زنگنه بیفش
سال و نوبت چاپ	:	اول - ۱۳۹۲
شمارگان	:	۵۰۰
شابک	:	978-600-93023-6-9
قیمت	:	۷۵۰۰۰ ریال
تلفن تماس انتشارات	:	۰۹۱۲۲۰۴۲۹۳۷ و ۰۹۱۹۷۷۵۳۷۹۲

Email: arman.law90@yahoo.com

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه	۷
بخش اول	۳
فصل اول تلمرو و داد و ستد همکاري دولت هاي عضو با ديوان	۳
گفتار اول قلمرو همکاري، جرائم مشمول تعقيب و مصاديق آن	۴
مبحث اول نسل کشي	۸
بنداول ارکان جنائيت نسل کشي	۱۱
الف) رکن قانوني	۱۲
ب) رکن مادي	۱۲
ج) رکن رواني	۱۳
بنددوم) مصاديق جنائيت نسل کشي	۱۴
الف) کشتن	۱۴
ب) ايراد صدمه شديد نسبت به سلامت جسمي يا روحي اعضاي گروه	۱۵
ج) قرار دادن عمدي يك گروه در معرض وضعيت زندگي نامناسب که منتهي به زوال قواي جسمي کلي يا جزئي آنها بشود	۱۶
د) انجام اقداماتي که به منظور جلوگيري از توالد و تناسل يك گروه صريحت مييرد	۱۷
ه) انتقال اجباري اطفال يك گروه به گروه ديگر	۱۷
مبحث دوم) جنائيت عليه بشريت	۱۸
بنداول) ارکان جرايم عليه بشريت	۱۹
الف) رکن قانوني	۱۹
ب) رکن مادي	۱۹
ج) رکن رواني	۲۰
بنددوم) مصاديق جنائيت عليه بشريت	۲۱

الف) جنایت علیه تمامیت جسمی و روحی.....	۲۱
ب) جرائم علیه آزادیهای افراد.....	۲۵
مبحث سوم) جنایت جنگی.....	۳۱
بند اول) عناصر تشکیل دهنده جنایت جنگی.....	۳۴
الف) عنصر مادی جنایت جنگی.....	۳۵
ب) عنصر روانی جنایت جنگی.....	۳۹
بند دوم) مصادیق جنایت جنگی.....	۴۱
مختار دوم) تعهدات همکاری دولتها با دیوان.....	۴۶
مبحث اول) تعهدات همکاری دولتهای عضو با دیوان.....	۴۸
مبحث دوم) تعهدات اصلی همکاری دولتها با دیوان.....	۵۴
مبحث سوم) اشکال دیوان همکاری.....	۵۹
فصل دوم.....	۶۳
قلمرو و تعهدات همکاری دولتهای غیر عضو با دیوان.....	۶۳
گفتار اول) تعهد دولتهای غیر عضو در همکاری با دیوان به موجب حقوق بین الملل.....	۶۵
مبحث اول) رابطه دیوان و شورای امنیت.....	۶۸
بند اول) ارجاع وضعیت دارفور سودان به دیوان.....	۷۳
بند دوم) شورای امنیت ضامن همکاری دولتها با دیوان.....	۷۵
مبحث دوم) تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بین الملل در دوستانه.....	۷۸
مبحث سوم) چشم انداز تعهد به همکاری دولتهای غیر عضو با دیوان.....	۸۳
گفتار دوم) اعمال صلاحیت دیوان نسبت به اتباع دولتهای غیر عضو و تعهد دولتها به همکاری.....	۸۴
مبحث اول) مبانی قانونی صلاحیت دیوان نسبت به اتباع دولتهای غیر عضو.....	۸۶
بند اول) واگذاری صلاحیت از سوی دولتها به دیوان.....	۸۸
بند دوم) اصول و سوابق واگذاری صلاحیت کیفری به دادگاههای بین المللی.....	۹۰
مبحث دوم) صلاحیت رسیدگی دیوان کیفری بین المللی به اعمال رسمی دولتهای غیر عضو.....	۹۳
فصل اول.....	۱۰۱

۱۰۱	همکاری دولتها با دیوان در مرحله تحقیق و تعقیب
۱۰۶	گفتار اول) همکاری دولتها در تعقیب و کیفرخواست
۱۱۰	مبحث اول) شروع تحقیق
۱۱۳	مبحث دوم) تعقیب
۱۱۴	مبحث سوم) منع تعقیب
۱۱۵	مبحث چهارم) صدور کیفرخواست
۱۱۸	گفتار دوم) همکاری دولتها با دیوان در مرحله دستگیری و تحویل اشخاص به دیوان
۱۲۰	مبحث اول) دستگیری
۱۲۳	بند اول) قانونی و اساسی
۱۲۴	بند دوم) مراحل بازداشت در دولت بازداشت کننده
۱۲۷	مبحث دوم) تحویل به دیوان
۱۲۸	بند اول) درخواستهای دولت تحویل استرداد
۱۳۱	بند دوم) حضور نزد دیوان و رسیدگی
۱۳۳	فصل دوم
۱۳۳	همکاری دولتها با دیوان از مرحله دادرسی تا مرحله حکم
۱۳۶	گفتار اول) همکاری دولتها با دیوان در مرحله دادرسی و صدور حکم
۱۳۹	مبحث اول) رسیدگی
۱۳۹	بند اول) حقوق متهم
۱۴۰	الف) حق حضور در دادرسی
۱۴۱	ب) اصل برانیت
۱۴۲	ج) تضمینات دیگر برای محاکمه عادلانه
۱۴۴	بند دوم) احراز صلاحیت دیوان
۱۴۷	مبحث دوم) محاکمه
۱۵۰	بند اول) استقلال و بیطرفی قضات
۱۵۳	بند دوم) حضور وکیل در مرحله محاکمه

۱۵۵	مبحث سوم) صدور حکم
۱۵۶	مبحث چهارم) قطعیت احکام
۱۵۷	بند اول) تجدید نظر
۱۵۹	بند دوم) اعاده دادرسی
۱۶۱	گفتار دوم) همکاری دولت‌ها با دیوان در مرحله اجرای حکم
۱۶۳	مبحث اول) اجرای مجازات زندان
۱۶۴	مبحث دوم) مصادره اموال و کیفر نقدی
۱۶۶	مبحث سوم) شرایط حبس
۱۶۸	نتیجه گیری
۱۷۶	فهرست منابع

مقدمه

جنایتکاران جنگی روزه‌انهای بسیار دور و دست کم از دوران یونان قدیم به نحوی تحت تعقیب قرار می‌گرفته‌اند. اولین «دادگاه» در این خصوص، در ۱۴۷۴ میلادی در برساخ اتریش، با حضور بیست و هفت «قاضی» امپراتوری رم، پتر فون هاخن اک را به اتهام جنایت علیه خداوند و بشریت محاکمه نمود.

پس از پایان جنگ جهانی اول، «کمیسیون مربوط به تعیین مسئولیت آغاز کنندگان جنگ و اعمال مجازات علیه آنها برای نقض قوانین و عرف جنگ» که به وسیله کنفرانس صلح پاریس در سال ۱۹۱۹ تشکیل شد، پیشنهاد کرد که یک محاکمه موردی برای محاکمه کسانی که مرتکب جنایات جنگی و نقض قوانین بشری شده‌اند تشکیل شود. این محاکمه بین المللی متشکل از نمایندگان آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن اقدام به

¹ - Bassioun, M. Cherif, "The Time has come for An International Criminal Court", Indian International and Comparative Law Review, 1991, Vol. 1, p. 1.

محاکمه ویلهم دوم، امپراطور آلمان نماید. اما با توجه به پناهنده شدن ویلهم به هلند و عدم استرداد نامبرده، محاکمه‌ای نیز برگزار نگردید.^۱ به رغم موفق نبودن تشکیل محکمه بین المللی پیش بینی شده در معاهده ورسای، پیشنهاد کمیسیون تعیین مسئولیت آغاز کنندگان جنگ دایر بر تشکیل محکمه‌ای برای محاکمه جنایتکاران و نیز مفاد معاهده ورسای بر این مورد نقطه عطفی در روند جهانی شدن عدالت کیفری محسوب می‌شود.

در ردای جنگ جهانی دوم و پس از اشغال آلمان به وسیله متفقین، توسط چهار دولت فاتح بر نیای بپیر، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا، که آلمان بی هیچ قید و شرطی به آنها تسلیم شده بود، دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ، تشکیل شد و متعاقباً شورده شور دیگر حمایت خود را از آن اعلام داشتند.^۲ دادگاه مرکب از چهارده قاضی بود که نوزده هریک از قدرت‌های فوق به این سمت منصوب گردیدند انتخاب دادستان‌ها نیز به همین روش صورت گرفت. منشور این دادگاه، مبتنی بر «اعمال حق مطلق قانونگذاری توسط دولت‌هایی بود که حکومت آلمان بی هیچ قید و شرطی به آنها تسلیم شده بود».

^۱ - عظیمی، عبدالرسول، محاکمه نورنبرگ از نظر حقوق جزا، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۴۱، ص ۶.

^۲ - کریانگ ساک، کیتی شبایزری، حقوق بین الملل کیفری، ترجمه بهنام بهرمانیان و محمد اسماعیلی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۴۳.

طبق ماده ۱۶ اساسنامه دادگاه، قضات صلاحیت داشتند که به جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت رسیدگی کنند. همچنین هریک از چهار دولت امضاء کننده قرارداد لندن، برای جمع آوری دلایل اتهام، موظف بودند یک دادستان انتخاب کنند.^۱ دادستان‌ها که بر طبق ماده ۱۴ اساسنامه باید به صورت یک کمیسیون عمل می‌کردند، علیه ۲۴ کیفرخواست صادر کردند. باتوجه به خودکشی یکی از متهمین و بیماری متهم دیگر، بیست و دو نفر مورد محاکمه قرار گرفتند که از میان آنها سه نفر تبرئه، دوازده نفر به اعدام، سه نفر به حبس ابد و چهار نفر به حبسهای از ده تا بیست سال محکوم شدند.^۲

متعاقب تشکیل دادگاه نظامی نورنبرگ، براساس اعلامیه ۱۹۴۵ پوتسدام که از طرف دولتهای آمریکا، چین، انگلستان و شوروی صادر گردیده و در آن مجازات جنایتکاران ژاپنی پیش بینی شده بود، ژنرال مک آرتور، فرمانده عالی متفقین در خاور دور در ژانویه ۱۹۴۶ با صدور اعلامیه‌ای یک جانبه، دادگاه نظامی بین المللی توکیو را بوجود آورد.^۳ دادگاه از بیست و هشت متهمی که علیه آنها کیفرخواست صادر شده بود، بیست و پنج

^۱ - عظیمی، عبدالرسول، پیشین، ص ۲۸.

^۲ - فیوضی، رضا، «دادگاه نظامی نورنبرگ پس از چهل سال»، مجله حقوقی، شماره ۹، پاییز - زمستان ۱۳۶۷، ص ۱۵۵.

^۳ - Ratner, Steven R and Jason S. Abrams, Accountability of Human Rights Atrocities in International Law: Beyond the Nuremberg Legacy, Second Edition, Oxford University Press, 2001, p. 188.

نفر را محاکمه کرد که از این تعداد، هفت نفر به اعدام، شانزده نفر به حبس ابد و دو نفر به حبس موقت محکوم گردیدند.^۱

قریب به پنجاه سال پس از تشکیل اولین دادگاه بین المللی و زمانی که پیشرفتهای گستردهای در نظام حقوق بشر حاصل شده بود، به دنبال جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق، شورای امنیت سازمان ملل،^۲ موافقت خود را با طرح تشکیل دادگاهی برای محاکمه مسئولین نقض جدی حقوق بشردوستانه در یوگسلاوی اعلام کرد. پس از طی اقداماتی در سال ۹۳، دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی، توسط شورای امنیت تشکیل گردید.

اولاً، تأسیس دادگاه مزبور انطباق شورای امنیت (با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد) سبب شد که جامعه بین المللی در اسرع وقت، کار محاکمه متهمین را آغاز نماید؛ ثانیاً؛ ایجاد یک دادگاه بین المللی توسط شورای امنیت، کلیه دولتهای عضو سازمان ملل را ملزم به همکاری با دادگاه می‌سازد. درحالی که اگر تشکیل دادگاه از

^۱- حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین المللی، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴.

^۲- مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی برعهده شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد (به موجب ماده ۲۴ منشور ملل متحد) هنگامی که در جامعه بین المللی اختلال برپا شود، این شورا موظف است موضوع را مورد بررسی قرار داده و در صورت وجود نقض صلح یا تهدید علیه صلح به استناد فصل هفتم منشور با صدور توصیه نامه یا اتخاذ اقدامات قهری به آن خاتمه دهد.

طریق معاهده صورت خارجی به خود می‌گرفت، فقط کشورهای امضا کننده به آن ملزم می‌شدند که این موضوع، موانع مهمی در اجرای وظایف دادگاه، ایجاد می‌کرد.

ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، تصریح دارد که دولت‌ها باید با این دادگاه بین‌المللی همکاری کنند و باید تقاضای معاضدت شعب بدوی را بدون تأخیر غیرموجه اجابت یا دستورات صادره آنها را اجرا کنند، تشریح روشهای خاص مربوط به حکم جلب و دستور انتقال متهم، تقاضای معاضدت افراد یا نهادهایی که ممکن است خارج از قلمرو جاریه قرار گیرند، گستره و جزئیات ضمانت اجرا در قبال دولت‌هایی که همکاری نمی‌کنند، و بسیاری سؤالات دیگر، به عهده قضات گذاشته شد.^۱

پس از یک سال از تأسیس دادگاه یوگسلاوی و در واکنش به نقضهای شدید حقوق بشردوستانه در قلمرو رواندا، شورای امنیت در ۸ نوامبر ۱۹۹۴ و به موجب قطعنامه ۹۵۵، مبادرت به تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا کرد. چین به عنوان عضو دائم شورای امنیت به این قطعنامه، رأی مثبت و دولت رواندا که در آن زمان عضو غیردائم شورا بود، به آن رأی منفی داد. عدم رأی مثبتی مجازات اعدام در اساسنامه دادگاه، یکی از مهمترین علل مخالفت دولت رواندا بود.

ساختار، تشکیلات، آیین دادرسی و مقررات راجع به همکاری دولت‌ها با دادگاه، مشابه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی است. هر دو دادگاه دارای دادستان

^۱ - آنتونیو کسسه، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۴۴۴.

^۲ - Ratner, op.cit., p. 202.

واحد هستند. همچنین قضات شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی به عنوان قضات شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا نیز عمل می‌کنند که هدف از آن، تضمین هماهنگی در رویه دادگاه‌هاست.¹

به موجب ماده ۲۸ اساسنامه این دادگاه، دولت‌ها باید با این دادگاه همکاری کنند و باید تقاضای ماضدت شعب بدوی را بدون تأخیر غیرموجه اجابت یا دستورات صادره آنها را اجرا کنند. لیکن، تشریح روش‌های خاص مربوط به حکم جلب و دستور انتقال متهم، تقاضای صدور حکم برای افراد یا نهادهایی که ممکن است مخاطب احضاریه قرار گیرند، گسترده و جزئیات مهم است. اجرا در قبال دولت‌هایی که همکاری نمی‌کنند، و بسیاری سؤالات دیگر، به عهد قضات منتهی شده.

با مطالعه اساسنامه این دو دادگاه (یوگسلاوی سابق و رواندا) چنین برمی‌آید که اساسنامه‌های این دادگاه‌ها تکلیف همکاری را بر دوش دولت‌ها بار می‌کنند؛ این تکلیف در عین حال هم بسیار گسترده است.

دولت‌ها مجاز نیستند که برای اجتناب از همکاری یا استرداد به دلایلی از قبیل منع محاکمه مجدد، جرم سیاسی، تابعیت فردی که تحویل‌دهی مورد درخواست است و غیره، استناد کنند.

این دادگاه‌ها دارای اختیارات گسترده و الزام آور هستند، زیرا می‌توانند دستورات الزام آور برای دولت‌ها صادر کنند (به منظور ارائه مدارک، دستگیری، طنونین و غیره)،

¹ - Ibid.

یا افرادی که سمت غیردولتی دارند احضاریه صادر کنند. این دو دادگاه در صورت مشاهده استتکاف یک دولت از ایفای تعهد خود تحت اساسنامه، می‌توانند از بابت قصور در همکاری حکم مقتضی صادر کند و سپس ریاست دیوان مجاز است که تصمیم مزبور را به شورای امنیت ارائه کند. این تصمیم برای شورای امنیت قانوناً الزام آور است؛ یعنی شورای امنیت نمی‌تواند تصمیم دیوان را مبنی بر قصور آن دولت خاص مورد معارضه قرار دهد. لیکن شورای امنیت در اجرا یا عدم اجرای مجازات مختار است؛ دیوان در صورتی که فرد از همکاری استتکاف کند، می‌تواند وی را محکوم به اهانت به دیوان کرده و رسیدگی بر آن مورد را، حتی به صورت غیابی، آغاز کند.

برخلاف دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا، که مخلوق شورای امنیت هستند و دولت‌ها موظف و مکلف به همکاری با این دو دادگاه هستند، فرصتی پیش آمده تا دولت‌ها در تنظیم اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نظر خود را روشن و صریح در سطح بین‌المللی چگونگی اجرای عدالت بین‌المللی اعلام کنند و آنها شیوه دولت محوری را برگزیدند.

دولت‌ها به منظور محاکمه و مجازات جنایتکارانی که با ارفندهای گوناگون از چنگال عدالت می‌گریختند و به سرزمین کشورهای دیگر پناه می‌دادند، رفته رفته سازوکارهایی را فراهم آوردند تا با همکاری یکدیگر راه‌های فرار از مجازات را بر جنایتکاران ببندند. دولت‌ها در نخستین گام با انعقاد معاهدات دوجانبه و گذر از فرایند عیب‌هایی که حمایت از حقوق فردی و ملاحظات حاکمیت ملی ایجاد می‌کرد به تدریج پذیرفتند که

عبور بزهکاران از سرزمین‌های یکدیگر نباید به منزله گذرنامه بی کیفیتی آنان قلمداد شود.

جایجایی جمعیت و سهولت هرچه بیشتر عبور از مرزها از طریق زمینی، دریایی و هوایی، فن آوری پیشرفته ارتباطات و دستیابی به ترفندهای گوناگون به منظور سرپوش گذاشتن اعمال مجرمانه و انتقال سریع و پیچیده اموال و درآمدهای حاصل از فعالیتهای مجرمانه خود مرموز و نامرئی تبهکاران در سازمانها و تشکیلات دولتی و گسترش شبکه‌های جانی، اراذل سازمان یافته و نوعاً فراملی و عوامل متعدد دیگر زمینه‌ای جدی برای همکاری اساسی دولت با یکدیگر در این زمینه شد.

همکاری دولت‌ها در زمینه بین‌المللی در چارچوب یک دادگاه بین‌المللی سبب می‌شود که تعداد زیادی از مجرمین در مجازات‌نماهند و تعداد دیگری نیز به خاطر ارتکاب یک جرم در دو یا چند کشور محاکمه و مجازات نشوند.

به همین منظور به دنبال قطعنامه‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۶ مجمع عمومی، کنفرانس دیپلماتیک تام الاختیار تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی در نهمین ژوئن ۱۹۹۸ در شهر رم و در مرکز سازمان خوار و بار و کشاورزی تشکیل گردید. در این کنفرانس نمایندگان ۱۶۰ کشور به اضافه تعدادی از سازمانهای بین‌المللی غیر صدها سازمان غیر دولتی حضور داشتند. در این سال اساسنامه دیوان به امضای ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور حاضر در کنفرانس رسید و نهایتاً اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

پس از تصویب ۶۰ کشور لازم الاجرا شد. عملاً اساسنامه دیوان کیفری بین المللی با تصویب دولت‌ها از اول جولای ۲۰۰۲ وارد مرحله اجرایی گردید.

دیوان فعالیت واقعی خود را با رسیدگی به پرونده‌هایی از چهار کشور آفریقایی، اوگاندا (۲۹ فوریه ۲۰۰۴)، آفریقای مرکزی (دسامبر ۲۰۰۴)، جمهوری دموکراتیک کنگو (۱۹ آوریل ۲۰۰۴) و سودان (به موجب قطعنامه ۱۵۹۳ مورخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵ شورای امنیت که بر دادستان ارجاع شد)^۱ شروع نمود.^۲

در این شش سال متأخرانه روند کند عملکرد دیوان در رسیدگی به موارد ارجاعی قابل مشاهده است. بعد از گذشت بیش از چهار سال از درخواست ارجاع اوگاندا (در تاریخ ۲۹/۱/۲۰۰۴) هنوز موارد مشابه، مراحل ابتدایی را طی می‌کنند. روندی مشابه در موارد جمهوری آفریقای مرکزی، دارفور، سودان قابل مشاهده است. تنها موردی که از مرحله مقدماتی^۳ گذشته و وارد مرحله رسیدگی^۴ شده است مربوط به جمهوری دموکراتیک کنگو است.^۵

^۱ - برای اطلاع بیشتر از بحران دارفور سودان، ن ک: جنگ دارفور، مناقشه منطقه‌ای یا بحران جهانی؟، به نقل از تایم، ترجمه حسن پویان، اطلاعات، ۱۳۸۶/۴/۲۴.

^۲ - مقامی، امیر، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۱۳۷، شنبه سی و یکم تیر ماه ۱۳۸۲، ص ۷.

1- Pre-Trial

2- Trial

^۳ - اردبیلی، محمدعلی، معاضدت قضایی و استرداد مجرمین، تهران، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۲.

نارسایی و مشکلات در عملکرد دیوان، بیانگر نیاز این نهاد بین المللی به همکاری روزافزون دولت‌ها به خصوص در زمینه دستگیری و استرداد مجرمین است. در ضمن باید به خاطر داشت که جهانی شدن صلاحیت دیوان ارتباط مستقیم با شمار تصویب و الحاق کشورها به اساسنامه رم دارد، باتوجه به تکمیلی بودن صلاحیت دیوان، تنها در موردی که شورای امنیت اقدام به ارجاع وضعیتی به دیوان نماید می‌توان صحبت از صلاحیت جهانی دیوان به میان آورد. در غیر این صورت، در موارد وقوع جرایم بین المللی در داخل کشورهای غیرعضو و کشورهای قدرتمندی که می‌توانند شورای امنیت را از دخالت باز دارند، امعه جهانی از رسیدگی و پیگرد عاجز خواهد ماند. موارد مربوط به چین و تبت نمونه‌ها بارز در این زمینه می‌باشند. روسیه و چین هیچ کدام به اساسنامه رم ملحق نشده‌اند. نتیجه دیوان نمی‌تواند طبق بند ۲ از ماده ۱۲ اساسنامه به جرایم ارتكابی در این سرزمین‌ها رسیدگی کند. همچنین با توجه به اینکه این دو کشور از اعضای دائمی شورای امنیت می‌باشند با استفاده از ابزار «وتو» بی شک از ارجاع مواردشان به دیوان از مجرای شورای امنیت جلوگیری خواهند کرد.

در تمام موضوعاتی که به همکاری بین المللی و معاهدات قضایی مربوط می‌شود، فصل نهم اساسنامه دیوان مرتباً بین دولت‌های عضو و دولت‌های غیرعضو تمایز قایل شده است. مخاطب تعهدات مندرج در اساسنامه فقط دولت‌های عضو هستند. اساسنامه دیوان، همچون معاهده‌ای بین المللی بنا به قاعده نسبی بودن آثار حقوقی معاهدات، برای دولت‌های غیرعضو هیچ تکلیفی ایجاد نمی‌کند. اساسنامه برای دولت‌هایی که عضو آن

نیستند امکان پذیرش صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات مورد نظر آن دولت پیش بینی کرده است (بند ۲ ماده ۱۲ اساسنامه). در این حالت دولت پذیرنده باید به موجب فصل نهم بدون هیچگونه تأخیر یا استناد با دیوان همکاری کند.

براساس فصل نهم اساسنامه هر گاه دیوان درخصوص جرم مشمول صلاحیت و تعقیب، از دولت عضو درخواست همکاری نماید. دولت عضو متعهد و ملزم به همکاری است این موضوع از فحوی ماده ۸۷ اساسنامه استنباط می‌شود. عبارت صدر این ماده مقرر می‌دارد: «دیوان اختیار طرح درخواست همکاری از دولت‌ها را دارد...». تعهد دولت‌ها در اجرای درخواست دیوان به موجب فصل نهم اساسنامه به موارد دستگیری و تحویل متهم (مواد ۹۲-۹۱)، موارد ۱۰۱ و ۱۰۲ اساسنامه) و اشکال دیگر همکاری (مواد ۹۶-۹۳ و ۹۹) خلاصه می‌شود. علاوه بر این، دولت‌های عضو در اجرای همکاری خود با دیوان نسبت به مواردی مانند جرایم علیه امنیت داخلی عدالت (ماده ۷۰ اساسنامه) و اجرای جریمه نقدی و اقدامات مربوط به مصادره اموال (ماده ۱۰۹ اساسنامه) نیز ملزم‌اند. لذا همکاری دولت‌ها با دیوان دارای ابعاد گوناگون است. به این معنی که دیوان هم به همکاری دولت‌های بزرگ و هم به همکاری دولت‌های کوچک نیازمند است. دیوان هم به همکاری دولت‌های اروپایی و هم دولت‌های آسیایی و آفریقایی و هم دولت‌های غیر عضو و هم دولت‌های عضو نیازمند است. البته دیوان امیدوار است که همکاری لازم تمامی دولت‌های زیربط را در فرآیند تحقیقات قضایی و محاکمه و بازچوب چهار جنایت مشمول تعقیب و صلاحیت یعنی نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز را داشته باشد.

باتوجه به اینکه حیات و فعالیت دیوان به همکاری دولت‌های عضو بستگی دارد و این همکاری در چارچوب جنایات مشمول صلاحیت و تعقیب دیوان یعنی جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایات تجاوز تعریف می‌شود و با توجه به تحولات دهه در طول دهه گذشته درخصوص تعقیب و مجازات جنایتکاران ایجاد گردید و همچنین تأیید تأسیس و صلاحیت دادگاه‌هایی که به منظور تعقیب جنایات مذکور تشکیل شدند. یکی از دلایل آنست که بیشترین موارد تحقیق و پژوهش را موضوعات مذکور به خود اختصاص داده‌اند. به این دلیل، پژوهشی مستقل در زمینه همکاری دولت‌ها با دیوان و تعهد دولت‌ها (عضو و غیر عضو) در همکاری با دیوان به رشته تحریر در نیامده است. بنابراین انجام تحقیقی مستقیم در رابطه با این موضوع، ضروری است.

بررسی کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی نشان داد که این منابع نمی‌توانند پاسخگوی سؤالات بیشماری در زمینه چگونگی همکاری دولت‌ها با دیوان (دولت‌های عضو و دولت‌های غیرعضو) باشند. از این رو این کتاب بر مبنای منابع فارسی و منابع خارجی نگارش یافته است. علاوه بر این چون دیوان یک سازمان تازه تأسیس می‌باشد و منابع چندانی نداشته و پرونده‌های زیادی هنوز در آن مطرح نشده است، لذا بر مبنای تحلیل و تفسیر اساسنامه کار شده خصوصاً بخش اول این کتاب در خصوص همکاری دولت‌های عضو و غیرعضو و به ویژه دولت‌های غیرعضو که تعهدات عاهداتی نسبت به دیوان ندارند چگونگی تعهد همکاری دولت‌های غیرعضو بطور روشن بحث شد.

باتوجه به جنایات مشمول تعقیب و صلاحیت دیوان و مصادیق این جنایات و توسعه و تأسیس رشته‌هایی چون حقوق کیفری بین المللی و رشته‌های دیگر، با توجه به اسناد بین المللی حقوق بشر و تفاسیر نهادهای نظارتی حقوق بشر و نیز آیین دادرسی، تفاسیر دادگاه‌های کیفری بین المللی از آن، می‌تواند زمینه را برای تحقیق و پژوهش بیشتر در این رشته‌ها هم فراهم نماید. با توجه به مرز اشتغالات حقوقی و سیاسی دیوان، دیدگاه شورای امنیت در منشور سازمان ملل، رابطه دیوان با شورای امنیت، قلمرو و چارچوب تکالیف دولت‌های عضو و غیرعضو در همکاری با دیوان مشخص می‌شود.

این کتاب می‌تواند در اصلاح و تکمیل مقررات اساسنامه و قواعد دادرسی دادگاه کیفری بین المللی که به تازگی گام در مسیر طولانی و دشوار نهاده است، نقش مهمی ایفا نماید.

در این کتاب پس از بحث و بررسی به سوالات زیر پاسخ داده می‌شود.

۱. آیا دولت‌های غیرعضو دیوان همانند دولت‌های عضو متعهد به همکاری با دیوان هستند

۲. آیا دولت‌ها به بهانه مغایرت قوانین داخلی با اساسنامه دیوان می‌توانند از درخواست همکاری دیوان درخصوص وضعیتی امتناع نمایند؟

۳. هرگاه دولت عضو از درخواست همکاری با دیوان امتناع نماید و شورای امنیت و مجمع دولت‌های عضو دیوان واکنشی نشان ندهند، آیا دولت‌های عضو حق مداخله دارند؟

۴. همکاری دولت‌های عضو با دیوان تقنینی است یا قضایی؟

۵. چرا دولت‌ها در همکاری با دیوان تأکید بر اعمال قانون داخلی خود و محکمه صلاحیت‌دار خود را دارند؟

۶. آیا دیوان نسبت به همه کشور دارای حق وتو در شورای امنیت دارای صلاحیت است؟

۷. آیا دولت‌های عضو اساسنامه دیوان می‌توانند صلاحیت کیفری خود را به یک دیوان بین‌المللی، بدون استناد دولت متبوع متهم واگذار کنند؟

این کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول: مربوط به قلمرو و تعهدات همکاری دولت‌ها با دیوان و بخش دوم: فرآیند دادرسی و همکاری دولت‌ها با دیوان بطور مفصل بحث شد.

قلمرو و تعهدات همکاری دولت‌ها با دیوان در بخش اول بحث می‌شود، که چگونگی همکاری دولت‌های عضو با دیوان، قلمرو همکاری و موارد مشمول تعقیب، مصادیق و ارکان و عناصر جنایات را در بر می‌گیرد. به علاوه، این بخش تعهدات همکاری دولت‌های غیرعضو با دیوان به موجب حقوق بین‌الملل از منظر رابطه دیوان و شورای امنیت، از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی و از منظر حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق بشردوستانه عرفی بررسی می‌شود.

بخش دوم، درخصوص فرآیند دادرسی و همکاری دولت‌ها با دیوان بطور مفصل بررسی شد و تکالیف دولت‌ها در شروع تحقیق، تعقیب، صدور کیفرخواست، چگونگی همکاری دولت‌ها با دیوان در دستگیری، بازداشت و تحویل به دیوان بررسی شده و به علاوه رسیدگی کیفری، رعایت حقوق متهم، استقلال و بی طرفی قضات، صدور احکام، تجدیدنظر اعاده دادرسی، مجازات زندان و اجرای آن، مصادره اموال و کیفر نقدی، شرایط حبس و مواردی از این قبیل بطور مفصل بحث شد. از آنجا که در اساسنامه دیوان همکاری دولت‌ها با دیوان در فرآیند دادرسی بطور جدی و مفصل آمده است، لذا در این کتاب با مبنا قرار دادن اساسنامه دیوان فرآیند دادرسی در دیوان بطور مفصل شرح داده شد.